



یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۳۰۷

سیاسی

مهمی روی مذاکرات خواهد داشت. نخستین تاثیر منفی این عدم تسلط، بی‌ثباتی و تغییر موضع است؛ واقعیتی که ویتکاف در یک مورد و درباره حق غنی‌سازی در خاک ایران، دچار آن شد و در فاصله ۲۴ ساعت مواضع خود را در این باره تغییر داد. قاعدتا تغییر موضع، نتیجه فشارهای وارد شده درباره پذیرش حق غنی‌سازی و تشبیه توافق احتمالی با برجام است. این موارد نشان می‌دهد ایران اکنون با دولتی در حال مذاکره است که نمایندگان آن به اندازه کافی و لازم روی موضوع هسته‌ای تسلط ندارند و همین موضوع می‌تواند هم در روند مذاکرات و هم پس از توافق احتمالی، تبعاتی به همراه داشته باشد.

شاید برخی این وضعیت را یک فرصت برای ایران برای تحقق یک توافق مطلوب ارزیابی کنند اما باید به خاطر داشت طرف مقابل لگویی بدعهدی و عدم وفای به تعهدات است. بنابراین این احتمال که طرف آمریکایی هم در روند مذاکرات تغییر موضع دهد و هم با وجود انجام تعهدات ایران در یک توافق احتمالی، از انجام تعهدات خود سر باز زند، بسیار است.

به هر حال کاملاً پیداست هم دولت آمریکا و هم مقامات این دولت و همین‌طور تیم مذاکره‌کننده آمریکایی، صلاحیت لازم برای مذاکره یا انجام یک توافق با ایران را ندارند.

همان‌گونه که گفته شد، برخی این وضعیت را یک فرصت بزرگ برای ایران قلمداد می‌کنند اما یک نگرش واقع‌بینانه و همه‌جانبه‌نگر می‌گوید این وضعیت اگرچه در ظاهر یک فرصت می‌نماید اما در عمل به معنای بی‌اعتباری طرف مقابل و سست ماندگاری هر نوع مذاکره و توافق با این طرف است؛ موضوعی که حتی در صورت حصول توافق، به واسطه نوع نگرش دولت آمریکا به راه‌حل‌های مسائل، می‌تواند تبدیل به یک محصمه جدید نیز شود.

با توجه به این واقعیات، می‌توان به وجوه جدیدی از ابتکار ایران برای انجام مذاکرات غیر مستقیم با طرف آمریکایی پی برد. طی ۳ دور گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا به میزبانی عمان، همه مذاکرات به صورت مکتوب انجام شده است. یعنی نظرات طرفین به صورت مکتوب ثبت شده است. این ایده باعث می‌شود روند مذاکرات به صورت مکتوب و با دآوری طرف عمانی، مستند شود. این تدبیر می‌تواند شرایط را برای تغییر نظر طرف آمریکایی بسیار سخت کند.

اگرچه آمریکایی‌ها بویژه ترامپ نشان داده‌اند به هیچ قانون و قواعد بین‌المللی و دیپلماتیک پایبند نیستند اما مکتوب کردن روند مذاکرات باعث می‌شود شرایط برای پنهان‌جویی، تغییر نظر یا زیاده‌خواهی، برای‌شان فراهم نشود. در واقع این ایده و تدبیر ایران باعث می‌شود در مذاکرات، نه تنها طرف آمریکایی براحتی امکان تغییر موضع نداشته باشد، بلکه در صورت شکست مذاکرات، نتوانند روایت مطلوب خود از دلایل شکست مذاکرات را تثبیت و غالب کند.

درباره توافق احتمالی نیز باید تدابیری از این جنس اندیشیده شود. به عنوان نمونه، طرف ایرانی نباید همانند دوره روحانی که ضمانت پایبندی آمریکا به توافق را قول و قرارهای شفاهی می‌دانست، این بار نیز تعهد دولت ترامپ را به عنوان ضامن حفظ توافق و پایبندی آمریکا به آن قلمداد کند. ایران با کسب تجربه از اشتباهات پرهزینه و خسارت محض برجام، باید تدابیر محکمی در متن توافق احتمالی بگنجاند که در برخلاف برجام، شرایط خروج بی‌هزینه آمریکا از توافق برای ترامپ یا جانشینان او فراهم نباشد.

در مجموع، تیم مذاکره‌کننده ایران جدا از زیاده‌خواهی و مواضع متناقض و ناهماهنگی‌های طرف مقابل، با معضلات مربوط به بی‌اطلاعی و عدم تسلط طرف مقابل نسبت به موضوع مذاکره نیز مواجه است. ترکیب این ۲ موضوع، یعنی بدعهدی، بی‌اعتباری، ناهماهنگی و تغییر موضع در کنار عدم تسلط و احاطه لازم تیم آمریکایی بر موضوع مذاکره، نشان می‌دهد تیم مذاکره‌کننده ایرانی یک کار بسیار دشوار با طرف آمریکایی دارد. شاید بهترین تعبیر برای این مذاکرات، همان اصطلاح معروف شطرنج با گوریل باشد.



گاف مار کورویو، پاسخ عراقچی و تدابیری که ایران در مذاکره با تیم تازه کار آمریکا باید در نظر بگیرد

ناشی‌ها

ارشد تیم مذاکره‌کننده آمریکا در مذاکرات با ایران، سوابق مهمی در حوزه سیاسی داشته است. او یک دوره عضو مجلس نمایندگان آمریکا بوده و در سوابقش یک دوره عضویت در سنا نیز دیده می‌شود. همچنین او در انتخابات ریاست‌جمهوری و از حزب جمهوری‌خواه کاندیدا و رقیب ترامپ بوده است. بنابراین در مقایسه با ویتکاف که صرفاً یک بساز و بفروش است و هیچ سابقه سیاسی ندارد، او به ظاهر یک گزینه معتبرتر است. با این حال ادعای دروغ و گاف عجیب رویو درباره برنامه غنی‌سازی ایران نشان می‌دهد او در این حوزه کاملاً بی‌سواد است؛ حالا تصور کنید وضعیت ویتکاف را.

در کنار ناهماهنگی‌ها در کابینه ترامپ بر سر مذاکره با ایران، حالت بی‌اطلاعی و بی‌سوادی آنها در این موضوع نیز حائز اهمیت است. قاعدتا وقتی رویو اطلاعات ناچیزی درباره قوانین بین‌المللی و حقوق هسته‌ای ایران برای غنی‌سازی در خاک خود دارد؛ این احتمال وجود دارد که درباره مسائل فنی و پیچیده برنامه هسته‌ای ایران نیز بی‌اطلاع است و همین بی‌اطلاعی می‌تواند عامل اساسی اظهارنظرها و مواضع زیاده‌خواهانه و پرهزینه او درباره مذاکرات و ایران شود.

این وضعیت به صورت جدی‌تر درباره ویتکاف هم صادق است. یعنی ویتکاف نیز اطلاعات و سواد لازم مربوط به برنامه هسته‌ای، برای مدیریت تیم مذاکره‌کننده آمریکا را ندارد.

ممکن است این استدلال مطرح شود که ویتکاف مسائل کلان را مدیریت کرده و مسائل فنی را به کارشناسان حاضر در تیم مذاکره می‌سپارد. اگرچه این استدلال قابل تامل است اما قطعاً تسلط بر موضوع هسته‌ای، جواب فنی و قانونی آن برای مدیریت برنامه هسته‌ای لازم است. در مذاکرات میان طرفین، قطعاً پیشنهادات مختلفی مطرح و بررسی می‌شود؛ پیشنهاداتی که هر کدام می‌تواند تاثیر بسیار زیادی بر وضعیت توافق و همین‌طور تعهدات طرفین داشته باشد. وقتی رئیس تیم مذاکره‌کننده از این دانش بی‌بهره باشد؛ تبعات و عواقب

قرار گرفته، بی‌اطلاعی و عدم تسلط و احاطه وزارت خارجه و تیم مذاکره‌کننده آمریکا نسبت به حدود و محتوای مسائل هسته‌ای، بویژه مختصات برنامه هسته‌ای ایران است؛ موضوعی که در اظهارات اخیر رویو علیه ایران کاملاً نمود داشته است. وزیر خارجه آمریکا که از ابتدای مذاکرات ایران و آمریکا با طرح مباحث غلط و همین‌طور زیاده‌خواهانه درباره برنامه هسته‌ای ایران، تلاش کرده است عدم حضور خود در این مذاکرات و سپرده شدن پرونده به ویتکاف را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ حالا در جدیدترین اظهارات خود علیه برنامه غنی‌سازی ایران نشان داده است حتی اطلاعات ابتدایی درباره قوانین بین‌المللی در حوزه هسته‌ای را نمی‌داند. قاعدتا همین اشتباه مهلک اعتبار او برای اظهارنظر درباره مذاکرات و برنامه هسته‌ای ایران، بویژه برنامه غنی‌سازی ایران را زیر سوال می‌برد.

بنابراین در کنار ناهماهنگی‌ها و آشفتگی‌های کاخ سفید در موضوع مذاکره با ایران، حالا بی‌اطلاعی و عدم تسلط وزیر خارجه آمریکانسیب به قوانین بین‌المللی در حوزه هسته‌ای نیز مزید بر علت شده تا مشخص شود اکنون در کاخ سفید، افرادی بی‌سواد نسبت به مسائل هسته‌ای عهده‌دار مسؤولیت‌های مهم هستند.

■ **اینها قرار است توافق کنند؟**
شاید برخی بر این عقیده باشند ادعای خلاف واقع رویو، یک طراحی حساب‌شده برای القای یک موضوع کذب و خلاف واقع باشد اما با توجه به صراحت رویو در طرح ادعای خود علیه ایران، به نظر می‌رسد دلیل اصلی این ادعای دروغ، بی‌اطلاعی او هم از قوانین بین‌المللی و هم از واقعیت‌های مربوط به برنامه‌های هسته‌ای و غنی‌سازی در دنیا باشد. بر همین اساس یک نکته مهم و اساسی درباره مذاکرات هسته‌ای آمریکا و ایران وجود دارد و آن آسیب‌های بی‌اطلاعی و بی‌سوادی تیم ترامپ در مذاکرات است.

رویو در حالی این گاف عجیب را داده و این دروغ بزرگ علیه ایران را گفته است که نسبت به استیو ویتکاف، مسؤول

اجتناب می‌کنم ولی آنچه می‌خواهم بگویم این است که تکرار دروغ، واقعیت‌های بنیادین را تغییر نمی‌دهد. ایران به عنوان یکی از امضاکنندگان موسس معاهده‌ان‌بی‌تی، کلاً حق داشتن چرخه کامل سوخت هسته‌ای را دارد. علاوه بر این، چندین عضو NPT وجود دارند که اورانیوم را غنی‌سازی می‌کنند، در حالی که سلاح‌های هسته‌ای را هم کاملاً رد می‌کنند. این باشگاه غیر از ایران شامل چند کشور آسیایی، اروپایی و آمریکای جنوبی نیز می‌شود. از موضع‌گیری حداکثری و لفاظی‌های تحریک‌کننده چیزی جز نابود کردن شانس موفقیت حاصل نمی‌شود. یک توافق معتبر و پایدار در دسترس است. تنها چیزی که لازم است اراده سیاسی قاطع و نگرش منصفانه است.»

کتابه‌های عراقچی

وزیر امور خارجه کشورمان در واقع به بی‌اطلاعی و دروغ‌گویی وزیر خارجه آمریکا اشاره کرده است. عراقچی به عضویت ایران در NPT اشاره و به آمریکایی‌ها یادآوری کرده است ایران به خاطر عضویت در این پیمان، حق انجام غنی‌سازی در خاک خود را داراست. عراقچی بر همین اساس توضیح داده است که کشورهای مختلفی در دنیا، اعم از آسیا، اروپا و آمریکای لاتین هستند که در خاک خود غنی‌سازی اورانیوم را انجام می‌دهند، در حالی که نه تنها سلاح هسته‌ای ندارند، بلکه صراحتاً اعلام کرده‌اند تمایلی برای ساخت سلاح هسته‌ای نیز ندارند.

عراقچی ادعای رویو را دروغ دانسته و تاکید کرده این قبیل اظهارات جز از بین بردن شانس توافق میان ایران و آمریکا فایده و اثر دیگری ندارد.

وزیر خارجه ایران با این پست که به زبان انگلیسی منتشر شده است؛ در واقع به مخاطبان انگلیسی‌زبان، بی‌اطلاعی و دروغ‌گویی وزیر خارجه آمریکا را نشان داده است؛ موضوعی که البته بسیار مهم و قابل تامل است.

یکی از موضوعاتی که از ابتدای دور جدید مذاکرات ایران و آمریکا در رسانه‌ها و محافل سیاسی دنیا مورد بحث و توجه

مارکو رویو، وزیر خارجه آمریکا در دولت دونالد ترامپ، در تازه‌ترین اظهارنظر خود درباره مذاکره با ایران، یک بار دیگر ادعاهای خود درباره برنامه غنی‌سازی ایران را مطرح و تاکید کرد ایران نباید در خاک خود غنی‌سازی کند.

او البته این بار ادعاهای جدیدی نیز در این باره مطرح کرد و مدعی شد ایران تنها کشوری در دنیاست که بدون داشتن سلاح اتمی، در حال غنی‌سازی اورانیوم است. رویو در این راستا گفت: «اگر ایران خواهان یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز باشد، یعنی اینکه می‌خواهد مانند کشورهای دیگر جهان نیروگاه‌های هسته‌ای داشته باشد، راهی برای انجام آن وجود دارد و آن این است که شما را اکتورها را بسازید و اورانیوم غنی‌شده وارداتی را برای سوخت آن را اکتورها استفاده کنید. این کاری است که ده‌ها کشور در سراسر جهان انجام می‌دهند. تنها کشورهای در جهان که اورانیوم را غنی می‌کنند، کشورهایی هستند که سلاح هسته‌ای دارند. ایران هم همین‌طور است – آنها ادعا می‌کنند نمی‌خواهند سلاح بسازند اما در واقع – آنچه اساساً درخواست می‌کنند این است که تنها کشوری در جهان باشند که اورانیوم را غنی می‌کنند، بدون اینکه سلاح داشته باشند».

این اظهارنظر رویو مبنی بر اینکه ایران تنها کشور دنیاست که بدون داشتن سلاح هسته‌ای در حال غنی‌سازی است، یک ادعای کذب و بی‌اساس است.

در حال حاضر غیر از ایران، کشورهایی مانند ایتالیا، بلژیک، اسپانیا، آلمان، هلند و ژاپن بدون داشتن سلاح هسته‌ای، در حال غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود هستند.

سیدعباس عراقچی نیز شامگاه جمعه در واکنش به این ادعای رویو پستی را به زبان انگلیسی در شبکه ایکس منتشر کرد.

متن پست عراقچی به این شرح بود: «من به طور اصولی از ارائه استدلال درباره عناصر کلیدی مذاکره از طریق رسانه‌ها

برخلاف آنچه پیش‌تر و در دهه‌های قبل تصور می‌شد، جهان قرار نیست در مسیر تاریخی خود، به سمت صلح و کاستن از هزینه‌های نظامی حرکت کند، بر عکس به سمت هر چه بیشتر نظامی‌تر شدن در حال حرکت است. برای اروپا جنگ اوکراین این روند را تشدید کرد و وضعیت خاورمیانه و درگیری احتمالی چین در شرق آسیا هم بر احتمالات درگیری و بالطبع نظامی‌تر شدن کشورها افزوده است. یافته‌های اخیر و پژوهش‌های بین‌المللی نیز بخوبی نشان می‌دهد دنیای امروز اتفاقاً دنیای موشک‌هاست. بویژه اروپا بعد از روی کار آمدن ترامپ و احساس نااطمینانی از آینده امنیت در قاره سبز، با شتاب بسیار زیادی به سمت هر چه بیشتر مسلح کردن خود پیش رفته است.

مؤسسه صلح بین‌المللی استکهلم (SIPRI) که داده‌هایی درباره هزینه‌های نظامی، تجارت بین‌المللی سلاح‌ها، زرادخانه‌های هسته‌ای و درگیری‌های مسلحانه منتشر می‌کند، در آخرین گزارش خود به تاریخ ۲۸ آوریل به بررسی روند تسلیح جهانی پرداخته است. بر اساس داده‌های این گزارش، هزینه‌های نظامی جهانی در سال ۲۰۲۴ به ۲۷۱۸ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال ۲۰۲۳ رشدی ۹٫۴ درصدی را نشان می‌دهد. ایالات متحده، چین، روسیه، آلمان و هند با مجموع هزینه‌ای بالغ بر ۱۶۳۵ میلیارد دلار، حدود ۶۰ درصد کل هزینه نظامی جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۲۰۲۴ کشورها میل عجیبی به افزایش بودجه نظامی خود نشان دادند، به گونه‌ای که بیش از ۱۰۰ کشور در سراسر جهان در سال ۲۰۲۴ بودجه نظامی خود را افزایش دادند که این افزایش نشان‌دهنده اهمیت و اولویت امنیت در کشورهای جهان است.

تاریخ‌سازی اروپا

با ادامه جنگ اوکراین برای سومین سال متوالی، هزینه‌های نظامی در سراسر قاره اروپا همچنان افزایش یافت و سطح هزینه‌های نظامی اروپا از میزان ثبت‌شده در پایان جنگ سرد فراتر رفت. سال ۲۰۲۴ تمام کشورهای اروپایی جز مالت، بودجه نظامی خود را افزایش دادند. علاوه بر مساله جنگ اوکراین و خصومت دیرینه روسیه و اروپا و احساس هراس این کشورها از گسترش جنگ در آینده، مساله عدم اطمینان به چتر امنیتی آمریکا و کاهش نقش و هزینه‌کرد آمریکا در ناتو هم از دیگر علل این افزایش بودجه نظامی بوده است. گزارش‌هایی



علی بابایی

آمار مؤسسه صلح بین‌المللی استکهلم درباره هزینه‌های نظامی کشورها

بله! دنیا دنیای موشک‌هاست!

هزینه‌ای توسط ناتو در سال ۲۰۱۴، به این معیار دست یافته‌اند. در میان کشورهای عضو ناتو، هزینه نظامی ایالات متحده با ۵۷٫۷ درصد رشد به ۹۹۷ میلیارد دلار رسید که ۶۶ درصد کل هزینه ناتو و ۳۷ درصد هزینه نظامی جهان در سال ۲۰۲۴ را تشکیل می‌دهد. بخش قابل توجهی از بودجه نظامی آمریکا به مدرن‌سازی توانمندی‌های نظامی و زرادخانه هسته‌ای این کشور اختصاص یافت تا برتری راهبردی خود را نسبت به روسیه و چین حفظ کند. کشورهای اروپایی عضو ناتو در مجموع ۴۵۴ میلیارد دلار هزینه نظامی داشتند که معادل ۳۰ درصد کل هزینه ناتو بود. بر اساس گزارش مؤسسه صلح استکهلم، این افزایش سریع بودجه نظامی در میان اعضای اروپایی ناتو، عمدتاً ناشی از تهدید ملوم روسیه و نگرانی‌ها نسبت به احتمال کاهش تعهدات آمریکا در درون این ائتلاف بود و البته افزایش بودجه به تنهایی لزوماً به معنای افزایش چشمگیر توانمندی نظامی یا استقلال از ایالات متحده نیست.

نگاهی به خاورمیانه

هزینه نظامی در خاورمیانه در سال ۲۰۲۴ به حدود ۲۴۳

و برنامه‌های گسترده خرید تسلیحات را اجرایی کردند. هزینه نظامی آلمان با ۲۸ درصد افزایش به ۸۸۵ میلیارد دلار رسید و این کشور را به بزرگ‌ترین هزینه‌کننده نظامی در اروپای مرکزی و غربی و چهارمین کشور بزرگ در این رزمینه در جهان تبدیل کرد. هزینه نظامی لهستان نیز با ۳۱ درصد رشد به ۲۸ میلیارد دلار رسید که معادل ۴٫۲ درصد تولید ناخالص داخلی لهستان بود. یکی از دلایل افزایش هزینه‌کرد آلمان در امور نظامی را می‌توان تأسیس صندوق ویژه دفاعی ۱۰۰ میلیارد یورویی در سال ۲۰۲۲ دانست.

در ناتو چه می‌گذرد؟

تمام اعضای ناتو در سال ۲۰۲۴ بودجه نظامی خود را افزایش دادند. مجموع هزینه نظامی اعضای ناتو به ۱۵۰۶ میلیارد دلار رسید که معادل ۵۵ درصد کل هزینه نظامی جهان بود. از میان ۳۲ عضو ناتو، ۱۸ کشور دست‌کم ۲ درصد تولید ناخالص داخلی خود را صرف امور نظامی کردند، در حالی که این تعداد در سال ۲۰۲۳ تنها ۱۱ کشور بود. این بالاترین تعداد کشورهایی است که از زمان تصویب این دستورالعمل

اخیراً وجود داشت مبنی بر اینکه عدم اطمینان اروپایی‌ها به آمریکا چنان شدت گرفته است که آنان حتی میل دارند دیگر از نظر تسلیحاتی نیز به آمریکا متکی نباشند. بر اساس گزارش مؤسسه صلح استکهلم، هزینه‌های نظامی در اروپا (شامل روسیه) در سال ۲۰۲۴ با رشدی ۱۷ درصدی به ۶۹۳ میلیارد دلار رسید و به عامل اصلی افزایش جهانی هزینه‌های نظامی تبدیل شد. هزینه‌های نظامی روسیه در سال ۲۰۲۴ به حدود ۱۴۹ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال ۲۰۲۳ رشدی ۳۸ درصدی داشت و ۲ برابر سطح آن در سال ۲۰۱۵ بود. این رقم معادل ۷٫۱ درصد تولید ناخالص داخلی روسیه و ۱۹ درصد کل هزینه‌های دولتی این کشور بود. هزینه نظامی اوکراین نیز با رشدی ۲٫۹ درصدی به ۶۴٫۷ میلیارد دلار رسید که معادل ۴۳ درصد هزینه نظامی روسیه بود. اوکراین با صرف ۳۴ درصد تولید ناخالص داخلی خود برای امور نظامی، بالاترین بار نظامی را در جهان در سال ۲۰۲۴ داشت. چندین کشور در اروپای مرکزی و غربی در سال ۲۰۲۴ شاهد افزایش بی‌سابقه‌ای در هزینه‌های نظامی خود بودند، چرا که تعهدات جدید هزینه‌ای



میلیارد دلار رسید که افزایشی ۱۵ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۳ و ۱۹ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۵ را نشان می‌دهد. هزینه نظامی رژیم اسرائیل با رشدی ۶۵ درصدی به ۴۶۵ میلیارد دلار رسید که بزرگ‌ترین رشد سالانه از زمان جنگ ۶ روزه در سال ۱۹۶۷ تاکنون محسوب می‌شود، زیرا این رژیم همچنان به جنگ در غزه و درگیری با حزب‌الله در جنوب لبنان ادامه می‌دهد. نسبت بودجه نظامی به تولید ناخالص داخلی نیز در این رژیم به ۸۸ درصد رسید که دومین میزان در جهان است. هزینه نظامی لبنان نیز با ۵۸ درصد افزایش به ۶۲۵ میلیون دلار رسید. این مؤسسه در رابطه با هزینه‌کرد نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز برآوردهایی دارد. بر اساس گزارش این مؤسسه، با وجود درگیری‌های منطقه‌ای در سال ۲۰۲۴ هزینه نظامی ایران با کاهش ۱۰ درصدی به ۷٫۹ میلیارد دلار رسید. این مؤسسه بر این باور است تحریم‌ها بر ایران برای افزایش هزینه‌های نظامی تاثیر گذاشته و مانع از ارتقای بودجه دفاعی کشور شده است.

نگاهی به آسیا

بر اساس گزارش این مؤسسه، چین که دومین کشور پرهزینه نظامی جهان در سال ۲۰۲۴ بوده است، هزینه‌های نظامی خود را ۷ درصد افزایش داد و به ۲۱۴ میلیارد دلار رساند. این افزایش، سی‌امین سال متوالی رشد هزینه‌های نظامی چین است. چین ۵۰ درصد کل هزینه‌های نظامی منطقه آسیا و اقیانوسیه را به خود اختصاص داده و همچنان در حال مدرن‌سازی ارتش، توسعه توانمندی‌های جنگ سایبری و افزایش زرادخانه هسته‌ای خود است. هزینه نظامی ژاپن هم ۲۱۱ درصد افزایش به ۵۵۳٫۳ میلیارد دلار رسید که بزرگ‌ترین افزایش سالانه از سال ۱۹۵۲ تاکنون است. بار نظامی ژاپن به ۱٫۴ درصد تولید ناخالص داخلی رسید که بالاترین میزان از سال ۱۹۵۸ محسوب می‌شود. هند هم که پنجمین کشور از نظر هزینه نظامی در جهان است، بودجه نظامی خود را ۱٫۶ درصد افزایش به ۸۶٫۱ میلیارد دلار رساند. تایوان هم که بسیاری در هراس درگیری با چین است، با ۱٫۸ درصد افزایش، بودجه نظامی خود را به ۱۶۵ میلیارد دلار رساند. برخلاف آنچه سال‌ها اروپایی‌ها در تلاش برای بازنمایی آن بودند، جهان به اندازه‌ای نااطمینانی امنیتی رسیده است که دیگر تنها با اتکا با توان نظامی می‌توان در محیط بین‌الملل دوام آورد. این افزایش شدید هزینه‌کرد نظامی در میان کشورهای جهان را می‌توان نمادی از دوران همه‌گیری معضلات امنیتی در جهان دانست. امنیت دیگر فقط یک کالای حیاتی و مهم در خاورمیانه نیست، حالا اروپا هم در پی این کالاست.